

حسین دارابی، کارگردان فیلم «**خدای جنگ**» درگفت‌وگو با «فرهیختگان»:

پرتره نساختم



محمدحسین سلطانی خبرنگار

آن‌هایی که «مصلحت» و «هناس» را دیده بودند، می‌دانستند حسین دارابی با وسواس خاصی روی سوزها دست می‌گذارد و روایت‌های مختلفی را خلق می‌کند. دارابی در آخرین اثر خود، یعنی «**خدای جنگ**» باز هم سوزهای متفاوت را دنبال کرده است. سوزهای که بنا به گفته دارابی، پنج سال قبل قرار بود ساخته شود. دارابی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» برای اولین بار درباره اتفاقات خدای جنگ و نحوه ساخته شدن این اثر صحبت کرد.

■ ■ ■

— وقتی توپخانه اسم مناسبی است

در ابتدای گفت‌وگو با حسین دارابی از او درباره کاراکتر بودن موشک در اثرش پرسیدیم. فیلمی که برگرفته از داستان تشکیل واحد توپخانه در سپاه پاسداران است. واحدی که شهید حسن طهرانی مقدم فرماندهی آن را بر عهده داشت و دارابی روایت اتفاقات این یگان در روزهای تابسیش را به تصویر کشیده است، البته برداشت‌های دارابی روایت اتفاقات بوده و تنها گوشه‌چشمی به این ماجرا دارد؛ «درباره موشک کلی حرف دارم و کلی طراحی کرده بودیم. البته خیلی خوب نیست که من کارگردان در باره آن گره‌گشایی کنم. بعد از اکران در باره‌اش مفصل‌تر حرف می‌زنم. درواقع، موشک در کار ما یک کاراکتر دارد و به آن فکر کرده بودیم و اصلا اسم خدای جنگ از همین نکات نهفته در فیلم درآمده است. به این دلیل، خدای جنگ خودش روایت مناسبی است برای فیلم. در خدای جنگ جدای از موشک، سلیمان و ابراهیم هر سه کاراکتر اصلی داستان هستند و به آن‌ها در فیلمنامه فکر شده است. همه این کاراکترها برای من جهانی دارند، جهانی که پنج سال قبل در فیلمنامه شکل گرفت، جهانی که درباره تک‌تک کاراکترهایی که همراه ابراهیم بودند هم همین‌طور بود. البته مجبور شدیم برای کوتاه کردن فیلم، داستان خیلی از این کاراکترها را کوتاه‌تر کنیم.»

— این فیلم پرتره نیست

حذف روایت‌های موازی در اثر فیلم دارابی باعث شده خدای جنگ اثری متمرکز بر کاراکتر اصلی داستان یعنی ابراهیم باشد که نقش آن را ساعد سهیلی بر عهده گرفته است. شباهت ابراهیم فیلم دارابی این شک را به وجود می‌آورد که شاید دارابی قصد ساخت پرتره‌ای از طهرانی مقدم داشته، اما او در گفت‌وگو با ما این موضوع را تکذیب کرد و گفت: «فیلم ما اصلا پرتره شهید طهرانی مقدم نیست. بلکه اقتباسی است از مردانگی و انجام یک کار نشدنی. این را از ته قلمب می‌گویم، واقعا برای من شهید طهرانی مقدم یک اسطوره است، نه فقط برای آنکه شهید شدند -که البته خود این موضوع هم بسیار ارزشمند است- بلکه به خاطر اینکه هر جایی به یک سختی بر می‌خورم با خودم می‌گویم که سخت‌تر از کاری که طهرانی مقدم انجام داد نیست. واقعا باید توکل به خدا وسخت‌کوشی‌هایی که داشت یک غیر ممکن را ممکن کرد. یک اقتباسی از آن دوران و کاری که ایشان و تیمشان داشتند، ساختم و سعی کردم دراماتیکش کنیم و کاری کنیم وقتی مخاطب آن را می‌بیند، با آن خیلی ارتباط بگیرد. ما نخواستیم یک فیلم پرتره (بیوگرافی) بسازیم و واقعیت این است که دلیلی هم ندارد آدم وقتی درباره یک قهرمان یا یک داستان اینچینی فیلمی بسازد حتما پرتره بسازد. سینمای جهان پر است از فیلم‌هایی که کارگردان فیلم و قصه را از نگاه خودش روایت می‌کنند و حتی این موضوع در سینمای خودمان هم وجود داشته و فیلم‌های موفقی ساخته شده است. به‌عنوان مثال، ابراهیم حاتمی‌کیا وقتی می‌خواست «از کرخه تا راین» را، بسازد، بسیاری می‌گفتند این اثر درباره چه کسی بوده، در صورتی که این مسئله واقعا مهم نیست. حتما نباید پرتره ساخت. من در این فیلم هم درباره شهید طهرانی مقدم همین کار را کرده‌ام و نمی‌خواستم پرتره‌ای از ایشان بسازم، ولی از اتفاقی که شهید رقم زده استفاده کردم.»

— می‌شود به واقعیت پابند بود و قصه جذاب گفت

در سال‌های اخیر آثار مختلفی در سینمای ایران با موضوع شهدا و جنگ ساخته شده، فیلم‌هایی که اگر بخوایم در میان آن‌ها درصد بگیریم، بخش اعظمی از آن‌ها، نزدیک شدن به مستند و یا پرتره را برای خود در اولویت قرار داده‌اند. دارابی از فاصله گرفتنش از جریان اصلی می‌گوید و اهمیت سینمای دور از مستند را در آثارش توضیح می‌دهد: «سعی کردم به سمت یک سینمای قصه‌گوی حرفه‌ای، جذاب و پر مخاطب برویم تا یک کار مستندگونه. چندین سال است که در این مسیر داریم می‌جنگیم، هم در هناس و هم در مصلحت. در سینمای ما هم مثال‌هایش زیاد بوده، اما یک وقت‌هایی برخی‌ها با آن یکسری گاردهایی داشتند. به نظر من می‌شود به واقعیت پابند بود و می‌شود قصه جذاب گفت و مخاطب را در درام‌های فیلم درگیر کرد.»

نگوید داستان درباره طهرانی‌مقدم است



محمدحسین سلطانی خبرنگار

«اجازه شلیک می‌دهید؟ ده، نه، هشت، هفت، ...» این کوتاه‌ترین داستانی است که درباره موشک می‌توان تعریف کرد. موشک قبل از انفجار موشک است، صدای انفجار که نباید قصه تمام می‌شود. دیگر هویتی از آن باقی نمی‌ماند و تنها یک آه‌ن پاره است که اگر شانس بیآورد، در یکی از موزه‌های دست‌چندم جا خوش می‌کند و گرفتار نگاه‌های مردم می‌شود. با آنکه همه داستان زندگی یک موشک را جنگی و نهایتاً حماسی می‌دانند اما موشک‌ها عشق را هم تجربه می‌کنند. اما عشق نمی‌شوند اما عشق را تجربه می‌کنند. عشقی که باعث می‌شود، موشک در جایگاهی بیش از یک دستاورد فنی درآید و تبدیل به معشوقه ضدقهرمان‌ها شود. عمار شلق دقیقا همین وضعیت را در «**خدای جنگ**» دارد. بازی خوب عمار شلق به‌عنوان نماینده معمر قذافی تداعی‌گر همین مسئله است. حسین دارابی را دیگر نمی‌شود یک کارگردان جوان دانست. دارابی پیش از فیلم‌های «مصلحت» و «هناس» در حال زورآزمایی و بروز خلاقیتی که بود که نظیرش

شباهت نوع پرداخت خدای جنگ دارابی به آثار آمریکایی این سوال را در ذهن ما ایجاد کرد که دارابی به سینمای آمریکایی چطور فکر می‌کند.

فیلمسازی که از نظر رنگ و نور و استفاده از پالت‌های رنگی اغراق‌شده و کات‌های فراوان را ما به یاد آثار آمریکایی چند سال اخیر می‌اندازد و داشتن قهرمان و ضدقهرمان کلاسیک در فیلم‌هایش، یادآور فیلم‌های کلاسیک آمریکایی است: «آمریکایی‌ها در این گونه فیلم‌ها سردمدار هستند. هالیوود و آمریکا نزدیک به ۱۰۰ سال به یک مدلی رسیدند و این به آن معنی نیست که فقط مدل مختص به آن‌ها باشد. آن‌ها جذب مخاطب و بازگشت سرمایه برایشان مهم است. آن‌ها در سیر سینمایشان گشته‌اند تا ببینند مخاطب چه چیزی را دوست دارد تا همان را ادامه دهند. خدای جنگ از مؤلفه‌هایی در آن سینما استفاده می‌کند. هالیوود در فیلم‌هایی که ساخته و در جهان اکران کرده، به مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها دست یافته است؛ مؤلفه‌هایی که شامل مدل روایت، فیلم‌برداری و دیگر عناصر سینمایی می‌شود. آن‌ها نوانسته‌اند سلاقی مشترکی را در میان مخاطبان شناسایی کنند. ما چرا نباید این کار را بکنیم؟ ما چرا نباید در مورد موضوعاتی که می‌خواهیم صحبت کنیم از این مؤلفه‌ها استفاده کنیم؟ در این فیلم نیز من تمام تلاشم را کردم تا از همه این مؤلفه‌ها استفاده کنم؛ چرا نباید از هر ابزاری که می‌تواند در خدمت منظور ما قرار بگیرد، بهره ببریم تا مخاطب را تحت‌تأثیر قرار بدهیم و او درگیر داستان شود و شخصیت‌ها در ذهنش باقی بمانند.»

— دهه ۶۰ من رنگارنگ است

آخرین فیلم دارابی، مانند فیلم اول او یعنی مصلحت، راوی اتفاقات دهه ۶۰ است. البته مصلحت از خدای جنگ چند سالی عقب‌تر بود و ماجرای اتفاقات آغاز انقلاب را تعریف می‌کرد اما در خدای جنگ دارابی به سراغ دفاع مقدس رفته است. دارابی در گفت‌وگو با ما از تلاشش برای بازسازی دهه ۶۰ می‌گوید: «در مصلحت همه آرزوی من این بود که یک دهه شخصی را نشان بدهم که همانی باشد که در آن زندگی کرده‌ام و همان‌طوری آن را نشان بدهم که دیده‌ام. جهانی که برای من به شدت رنگی بود. در این فیلم هم همین کار را کردم. یعنی سعی من بر این بود، نمی‌دانم چقدر به آن رسیدم، چندان ادعایی روی این موضوع ندارم ولی همه تلاش من و تمام تیم ساخته‌اند این بود که بتوانیم همان دهه ۶۰ را نشان بدهیم.»

— ماجرای توقف پنج ساله

دارابی در میانه صحبت‌هایش از ۵ سال به تعویق افتادن فیلمش گفت و از اینکه فیلمنامه آن چندسالی است که خاک می‌خورد. کارگردان خدای جنگ در پاسخ به ما از این جدال‌های پنج ساله و دلایل ساخته نشدن این اثر گفت، فیلمی که از نظر دارابی پس از هفت اکتبر باید به نمایش درمی‌آمد: «این پروژه از پنج سال پیش پیش نوشته شده بود و اصلا باید پنج سال قبل ساخته می‌شد، در این سال‌ها من کلی خون دل و غصه خوردم و چقدر ناراحت بودم که این فیلم ساخته نشده. فیلمنامه خدای جنگ را احسان ترقی قبل از اثر اولم یعنی مصلحت نوشته بود. حتی از فیلمنامه هم فراتر رفته بودیم و کار به مرحله پیش تولید رسیده بود اما به دلیل حساسیت‌هایی که موضوع داشت و البته دلیل مهم‌تر، وجود مشاوران فرهنگی غلط در ساختارهایی که از اعتماد مدیران بالادستی نهایت استفاده را می‌برند، پروژه مدتها متوقف ماند. یکسری افراد مدعی به وجود آمده‌اند، تقریباً در همه جا هم هستند این روزها، که گمان می‌کنند در موضوع بسیار پیچیده‌ای مثل سینما که داشتن تخصص در آن نیازمند شناخت عمیق و دقیق موضوع و تجربه جدی است، صرفا با خواندن چند کتاب و دیدن چند فیلم و حفظ چند اسم ایرانی و فرنگی، می‌توانند تشخیص درست از غلط بدهند. چنین مشاوره‌های غلطی در مسیر خدای جنگ، یک وقفه پنج ساله ناعادلانه ایجاد کرد. می‌رفتند و با تحلیل‌های اشتباه، حرف‌های غلط و کج‌فهمی‌هایشان تحت عنوان دلسوز نظام و انقلاب و...، جلوی ساخت پروژه را می‌گرفتند. همین‌ها باعث شدند پنج سال فیلم به تعویق بیفتد و ساخته نشود و در طول همین مدت با همین روش محصولی بسیار کم‌کیفیت را در دامن دوستان تصمیم‌گیر در این زمینه گذاشتند. ما باید پنج سال پیش این را پیش می‌کردیم و فیلم باید پیش از آنکه هفت اکتبر و جنگ فلسطین اتفاق بیفتد پخش می‌شد و باید می‌گفتم تمام این کار و بنیان‌گذارانش، افرادی مثل حاج حسن طهرانی مقدم بودند که یک کار نشدنی کردند و یک ابزار جنگی تعیین‌کننده که خیلی از کشورهای جهان در اختیار داشتند و بقیه را از آن محروم کرده‌بودند را از آن خود کردند. اما بی‌تقوایی‌ها و بی‌سوادی‌ها که من به شدت از آن ناراحت هستم باعث شدند ساخت این فیلم مهم این همه عقب بیفتد.»

با تمام این تفاسیر خدای جنگ پس از کش و قوس‌های فراوان با همکاری اوج ساخته شده و تبدیل به یک پروژه چندساله می‌شود. کسی چه می‌داند شاید اگر دارابی پنج سال قبل این فیلم را می‌ساخت، خدای جنگ، خدای جنگ کنونی نمی‌شد. دارابی در ادامه صحبت‌هایش از کمک‌هایی که باعث و بانی ساخته شدن خدای جنگ شده می‌گوید: «الحمدلله

در نهایت، با وجود تمام این مشکلات، فیلم ساخته شد و خوشبختانه زحمات تیم به نتیجه رسید و با تلاش‌های بچه‌های اوج و شخص آقا احسان محمدحسینی که تمام این پنج سال، دغدغه‌مند ساخت این کار بودند، کار به نتیجه رسید. ده بچه‌های هوافضا و سردار حاجی‌زاده هم گرم که پای این کار ایستادند و مرد و مردانه خیلی کمک کردند، اگر آن‌ها نبودند امکان نداشت این فیلم ساخته شود، چون خدای جنگ خیلی تجهیزات و امکانات می‌خواست. خود آقای حاجی‌زاده مستقیماً کمک می‌کردند و زحمت کشیدند که این کار به سرانجام و نتیجه خودش برسد. بچه‌های اوج هم بگیر هستند که آقای حاجی‌زاده فیلم را تماشا کنند، نمی‌دانم هنوز فیلم را دیده‌اند یا نه.»

دارابی برای ساخت فیلمنامه‌ای که پنج سالی برای ساخت آن منتظر مانده، زمانی طولانی را برای انتخاب بازیگر گذاشته است و درنهایت از میان حدود ۵۰ بازیگر گروه اصلی بازیگران مرد فیلم را انتخاب کرده. در میان بازیگران خدای جنگ شناخته‌شده‌ترین چهره ساعد سهیلی است. دارابی در گفت‌وگو با ما از فرایند انتخاب بازیگران و به خصوص ساعد سهیلی در خدای جنگ می‌گوید: «ببینید، ما از ابتدا به دنبال این بودیم که شخصیت اصلی فیلم استایل قهرمانانه‌ای داشته باشد، اما نه به شکل کلیشه‌ای. نمی‌خواستم شخصیتی صرفاً قهرمانی باشد که در دیگر آثار هم نقش‌های مشابهی بازی کرده. بلکه همیشه دوست دارم به سراغ بازیگرانی بروم که شخصیتی مخالف با آن کاراکتر مد نظر من را بازی کرده‌اند. ساعد سهیلی یکی از گز نه‌های من بود، البته ترسی داشتم که به خود او هم گفتم، ساعد سهیلی یک شخصیت و چهره محبوب و معصوم دارد که بخشی از ویژگی شخصیت ما بود، اما شخصیت ما در عین حال یک فرمانده مقتدر حاضر در میدان نبرد هم بود که در سابقه ذهنی من از بازی‌های قبلی او، مفقود بود. با کسانی هم که مشورت می‌کردم با بازی ساعد سهیلی در این نقش مخالف بودند. اما من به خاطر ویژگی‌های بازی‌های ساعد، لازم دانستم با خود او در مورد نقش گپ بزنم و تصمیم نهایی را بگیرم. گفتم بگذارید با خود ساعد صحبت کنم. فیلمنامه را به ساعد دادم و آن را خواند. خیلی فیلمنامه را دوست داشت و مصلحت را هم خیلی دوست داشت. به ساعد گفتم که از نظر فیزیکی و قد و بالا یا آنچه ما می‌خواهیم خیلی متفاوت هستی ولی این در عین حال می‌تواند ویژگی‌های متفاوت و جدیدی به شخصیت ما بدهد و او را جذاب‌تر کند، با هم صحبت کردیم و دیدم ساعد خیلی فیلمنامه و نقش را دوست دارد و بسیار آدم باهوشی است و می‌شود با او تعامل کرد. الان از نتیجه کار خیلی خوشحالم. درباره باقی بازیگران هم همین‌طور: حسین سلیمانی که انصافاً تمام تلاشمان این بود که با باقی نقش‌هایش کاراکترش متفاوت شود. باقی بازیگران هم مثل پیام احمدی‌نیا، نادر فلاح، آقای کاردان، مهدی حسینی، مهدی فروضه، دانیال نوروش که خیلی برایم مهم بود کاراکترش یک شخصیت بامزه و جذاب شود یا مثل پیمان پورنیکدست که نقش هاشم را بر عهده داشت. برای انتخاب هر کدام از کاراکترها کلی بازیگر دیدم و بررسی کردم، چون می‌خواستیم شخصیت‌ها به‌درستی شکل بگیرند. نگران بودم که مبدا انتخاب‌هایمان مناسب نباشد، مخصوصاً برای شخصیت خانم فیلم یعنی خانم آزاده سیفی بیش از ۷۰ یا ۸۰ بازیگر را دیدم تا به این انتخاب رسیدم.»

شاید یکی از نکات خدای جنگ حسین دارابی، حضور بازیگر لبنانی، عمار شلق باشد، شلق که یکی از بازیگر شناخته‌شده سینمای لبنان است در فیلم دارابی هم نقش پررنگی دارد و به عنوان ضدقهرمان اصلی ماجرا، رودروی ساعد سهیلی قرار می‌گیرد: «هر چقدر فکر کردم دیدم نمی‌شود بازیگر ایرانی بیآوریم چون ممکن است کار لوس و تصنعی دربیاید. گفتم که باید برویم سراغ بازیگر های عرب. در حقیقت من از بازیگرهای عرب می‌ترسیدم چون خیلی هم بازی‌هایشان درشت است و هم از نظر جنس بازی درشت به نظر می‌رسند. مفصل بازیگران عرب مختلفی را دیدم تا رسیدم به شلق. چون با آقای سعدی دوستی هم داشتم، فیلمنامه را به ایشان دادم و آن را خواندند و خیلی دوست داشتند. چند جلسه با ایشان تلفنی صحبت کردم و در نتیجه به بازی ایشان رسیدیم که خیلی هم آن را دوست داشتیم.»

— اگر ویژوال در نمی‌آمد فیلم را نمی‌ساختم

خدای جنگ دارابی از نظر هویت بصری و جلوه‌های ویژه یکی از آثار متفاوت فجر امسال خواهد بود. فیلمی که تمام تلاشش را کرده تکنیک‌ها را در بستر قصه به‌طور برساند و از این حیث کار متفاوتی را روانه پرده فجر چهارم و سوم کرده است: «فیلمبرداری و ویژوال فیلم واقعا به صورت تگاتنگ و در کنار هم کار را پیش بردند. ما سعی می‌کردیم پلان‌هایی بگیریم که آنقدر زیبایی داشته باشد که وقتی ویژوال را روی

آن می‌آوریم به اندازه کافی سینک باشند. سعید براتی (فیلمبردار خدای جنگ) به خوبی با اثر همراه بود و تکنیک‌های جدید فیلمبرداری و رنگ و نورها را به خوبی می‌شناخت. من وقتی می‌خواستم این فیلم را بسازم گفتم من به شرطی خدای جنگ را می‌سازم که آن ویژوال و تکنیک‌های بصری در آن دربیاید وگرنه فیلم را نمی‌سازم. ما با آقای بردارن هم صحبت کردیم و درنهایت ایشان قبول کرد تا مسئولیت این کار را قبول کند.» محمد برداران که پیش از این در آثار ابراهیم حاتمی‌کیا هم با او همکاری کرده بود و توانسته بود چند سیمرخ هم برای بهترین همین حیطه دریافت کند به نظر می‌رسد گز نه خوبی برای خدای جنگ باشد. فیلمی که یکی از پایه‌های اصلی آن استفاده از ویژوال است و اگر آن را از فیلم حذف کنیم، دیگر خدای جنگ، خدای جنگ نیست: «از آنجایی که امکان شلیک واقعی موشک برای فیلم وجود نداشت، مجبور شدیم به تکنولوژی‌های پیشرفته جلوه‌های ویژه متوسل شویم. تیم جلوه‌های ویژه ما سعی کرد صحنه‌های سقوط، پرتاب و فضا را به طبعی‌ترین شکل ممکن در بیاورد. هدف ما این بود که فیلم از نظر بصری چشم‌نواز و پرشکو‌ه باشد و خوشبختانه با آدن آقای برداران نتیجه کار هم رضایت‌بخش شد، چون واقعاً به این کار علاقه داشتند و وقت زیادی روی آن گذاشتند. محمد برداران یکی از کسانی بود که برای اجرای جلوه‌های ویژه این فیلم، زحمات زیادی کشید و کار پیچیده‌ای را به سرانجام رساند.»

خدای جنگ دارابی تا روزهای آخر منتهی به جشنواره برای رسیدن یا نرسیدن به فجر چهل و سوم در ابهام قرار داشت. با این حال فرایند پس تولید این فیلم به اتمام رسید و فیلم روانه فجر امسال شده. فیلمی که موسیقی آن برعهده مسعود سخاوت‌دوست است و فرایند تدوینش به سیاوش کردجان سپرده شده: «در ماه‌های گذشته، وقت زیادی صرف تدوین شد و چندین نسخه از فیلم تدوین و جابه‌جا شد تا به نتیجه مطلوب برسیم که این محصول کاربلدی، وقت‌گذاری و حساسیت سیاوش کردجان است. آقای سخاوت‌دوست در زمینه موسیقی زحمات زیادی کشید. من در ابتدا درباره موسیقی فیلم نگران بودم و حتی انتخاب آهنگساز را تا آخرین مرحله به تأخیر انداختم؛ چراکه می‌خواستم مطمئن شوم موسیقی در سطح کیفی مد نظرم قرار دارد. خوشبختانه نتیجه کار بسیار رضایت‌بخش شد. همچنین، اصلاح رنگ و جلوه‌های بصری توسط تیمی حرفه‌ای انجام شد.»

با تمام این تفاسیر فیلم دارابی قرار است به فجر چهل و سوم برسد، فیلمی که ذیل آثار دفاع مقدسی امسال قرار می‌گیرد و به نظر آن را باید اثر متفاوتی در کارنامه کاری دارابی و البته آثار دفاع مقدسی امسال ارزیابی کرد. فیلمی که اقتباسی است از ماجرای موشک و پدر موشکی ایران.



فرهیختگان

فرهیختگان

دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۳

شماره ۴۳۴۵

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANDAILY



فرهیختگان

می‌کند و می‌داند از فیلم چه می‌خواهد.

آنچه باعث می‌شود «خدای جنگ» دارابی بدل به اثری درخور تحسین شود فهم عمیق دارابی در نسبت با موضوعی است که روی آن دست گذاشته. سوزهای که کوتاه انتخاب شده و قرار نیست لیستی از فرماندهان جنگ را در اثرش نمایش دهد و بخواهد روی سوزهای بیش از اندازه بزرگ دست بگذارد. به نظر می‌رسد تجربه دو اثر قبلی دارابی رویش تأثیر مهمی گذاشته. دارابی اگر قرار بود فیلمنامه «خدای جنگ» را پیش از «مصلحت» بسازد – که این‌طور هم قرار بود بشود– شاید به‌خوبی «خدای جنگ» فعلی در نمی‌آمد. «خدای جنگ» دارابی حاصل تجربه‌های و پختگی. هر قدر دورین «هناس» دارابی خام است اینجا پخته می‌شود و حرکت‌های اضافه‌اش گرفته می‌شود. «خدای جنگ» از بهترین آثار فجر امسال است و این دلیل ندارد جز شناخت سوز و دست گذاشتن روی نقطه‌ای دقیق در اثر. حقیقت این است که نمی‌شود هر جزء از فیلم دارابی را لایق سیمرغی خاص دانست اما کلیت کار دارابی یک اثر کامل را خلق کرده است.

۱۳